[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]

Journal of Studies in Applied Language (JSAL), **Vol. 6, No. 1**, Winter 2023, pp. 61–78. ISSN: 2980-9304
© Bonyan Pouya Pajooh Andisheh Institute (BPPAI), 2023. This is an Open Access article, distributed under the terms of the Creative Commons Attribution licence (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits unrestricted re-use, distribution, and reproduction in any medium, provided the originalwork is properly cited.

Effectiveness of the Garces Model in Evaluating Grammatical Efficiency; Case Study: Ali Shirvani's Translation of Nahj al-Balagheh [In Persian]

Mahin Hajizadeh[1]*, Rana Farhadi[2]
1 Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Madani University of Azerbaijan, Iran
2 MA of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Madani University of Azerbaijan, Iran
***Corresponding author:** hajizadeh_tma@yahoo.com

Received: 09 Jan, 2021 *Revised: 20 Feb, 2021* *Accepted: 05 May, 2021*

[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]

ABSTRACT

The translation of religious writings is one of the most challenging and exact forms of translation, requiring the translator to be more accurate and skilled to express the literary nuances of the subject text. However, to assess the accuracy and quality of these translations, fidelity or lack thereof to the original text, level of quality and acceptability, etc., one must inevitably refer to the theories proposed in the field of translation criticism and evaluation. Only then can these translations be properly assessed. The Garces model, one of these models, is employed to assess how well literary materials have been translated. The four levels of semantic-lexical, syntactic-word construction, discourse-functional, and stylistic-practical level are proposed in this model to compare the similarity between the source text and the target text. Based on these four levels, it evaluates the quality and acceptability of the translated texts. As a result, the current study uses a descriptive-analytical approach to assess the accuracy and acceptability of Ali Shirvani's translation of Nahj al-Balagheh based on Garces's theory. The findings demonstrate that Shirvani is content-oriented in her translation and frequently clarifies and broadens the meaning of Imam Ali's statements based on the positive, negative, and neutral strategies that are suggested in the Garces model. The second and fourth layers of the Garces pattern, out of its four levels, are most frequently translated by Shirvani. He occasionally employs constructive strategies like syntactic expansion, grammatical or syntax changes, viewpoint shifts, etc. On the other side, there are also issues with his translation that detract from its quality, such as omissions, translation errors, verbosity, etc.

Keywords: Grammatical evaluation of translation, Nahj al-Balagheh, Ali Shirvani, Garces model, Discourse Analysis**.**

[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]

[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

اثر بخشی الگوی گارسس در ارزیابی کارآمدی دستوری؛ مطالعه موردی: ترجمه علی شیروانی از نهج البلاغه

مهین حاجی زاده [1*]، رعنا فرهادی [2]

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایران

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ایران

***نویسنده مسئول مقاله** Email: hajizadeh_tma@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰ *اصلاح: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲* *پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۵*

چکیده

ترجمه‌ی متون ادبی- دینی یکی از مشکل‌ترین و دقیق‌ترین نوع ترجمه به شمار می‌رود که انتقال ظرافت‌های ادبی متن مقصد مستلزم دقت و تسلط بیشتر مترجم می‌باشد. مترجمان متعددی سعی در هنرآزمایی و نمایش توانمندی خویش در اینگونه ترجمه‌ها نموده‌اند، اما جهت ارزیابی صحت و کیفیت این ترجمه‌ها، وفاداری یا عدم وفاداری به متن اصلی، میزان کیفیت و مقبولیت و...، ناگزیر بایستی به نظریه‌های مطرح شده در حوزه نقد و ارزیابی ترجمه، مراجعه داشت، تا بتوان به درستی این ترجمه‌ها را ارزیابی کرد. یکی از این نظریه‌ها، الگوی گارسس می‌باشد که برای ارزیابی ترجمه متون ادبی به کار برده می‌شود، در این الگو برای مقایسه شباهت‌های بین متن مبدأ و متن مقصد، چهار سطح معنایی- لغوی، نحوی- واژه ساختی، گفتمانی- کارکردی و سطح سبکی- عملی پیشنهاد شده و بر اساس این سطوح چهارگانه به ارزیابی میزان کیفیت و مقبولیت متون ترجمه شده می‌پردازد؛ لذا پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی- تحلیلی به ارزیابی میزان کیفیت و مقبولیت ترجمه علی شیروانی از نهج البلاغه بر اساس نظریه گارسس بپردازد. بر اساس تکنیک‌های مثبت، منفی و خنثی که در الگوی گارسس مطرح است، نتایج بیانگر این است که شیروانی در ترجمه، محتوا محور بوده و اغلب به توضیح و بسط معنای کلام امام علی(ع) می‌پردازد. از بین سطوح چهارگانه الگوی گارسس، سطح دوم و چهارم بیشترین بسامد را در ترجمه شیروانی دارد. وی در برخی موارد از تکنیک‌های مثبتی چون بسط نحوی، تغییر نحو یا دستورگردانی، تغییر دیدگاه و... بهره می‌گیرد اما از سویی دیگر نکات منفی نیز در ترجمه ایشان از جمله: حذف، اشتباه در ترجمه، پرگویی و... مشهود است که از کیفیت ترجمه‌اش می‌کاهد.

واژگان کلیدی: ارزیابی دستوری ترجمه، نهج البلاغه، علی شیروانی، مدل گارسس، تحلیل گفتمان.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

۱. مقدمه

ترجمه‌ی متون ادبی- دینی یکی از مشکل‌ترین و دقیق‌ترین نوع ترجمه به شمار می‌رود که انتقال ظرافت‌های ادبی متن مقصد مستلزم دقت و تسلط بیشتر مترجم می‌باشد. دشوار بودن ترجمه متون ادبی به ویژه متونی چون نهج البلاغه که پس از قرآن کریم از نظر بلاغت و فصاحت در اوج قرار دارد و نیز کثرت ترجمه چنین متونی، ارزیابی ترجمه‌های صورت گرفته و تعیین میزان مقبولیت و کفایت آن‌ها را می‌طلبد. از این رو نظریه‌های مطرح شده در باب نقد و ارزیابی ترجمه‌ها این مشکل را برطرف می‌کند. از طرفی صحت سنجیِ ترجمه، بستگی به نوع نقد و ارزیابی متون دارد و از آنجایی که یکی از پرکاربردترین نوع نقد، نقد مقابله‌ای متون می‌باشد لذا ارزیابی ترجمه متون ادبی با توجه به ظرایف نهفته در دل عبارات متن اصلی ادبی، دشواری کار را چندین برابر می کند و سنجش کیفیت چنین متونی نیازمند نظریه و الگویی جامع و کامل و در عین حال کاربردی می‌باشد که تمامی المان‌های موجود در ترجمه و ارزیابی آن را دارا باشد. بدین منظور نظریه‌ها و مدل‌های متعددی طراحی و ارائه شده‌اند که از جمله آنها، نظریه و مدل کارمن والرو گارسس می‌باشد. وی برای مقایسه شباهت‌های بین متن مبدأ و متن مقصد، چهار سطح معنایی- لغوی، نحوی- واژه ساختی، گفتمانی- کارکردی و سطح سبکی- عملی پیشنهاد می‌کند و بر اساس تکنیک‌هایی که هر کدام از سطوح چهارگانه دارند به ارزیابی میزان کیفیت و مقبولیت متون ترجمه شده می‌پردازد؛ لذا پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی- تحلیلی به ارزیابی میزان کیفیت و مقبولیت ترجمه علی شیروانی از نهج البلاغه بر اساس نظریه گارسس بپردازد.

لازم به ذکر است که نقد و بررسی ترجمه منتخب، در بخش‌هایی از نهج البلاغه یعنی در (ترجمه‌ی خطبه‌های ۱، ۲۳۷، ۲۳۹ و ۲۴۱) صورت گرفته است. و این نقد و ارزیابی در پی پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد:

۱- ترجمه‌ی شیروانی از نهج البلاغه، متن محور می‌باشد یا محتوا محور؟
۲- کدام سطوح از سطوح چهارگانه گارسس بازتاب بیشتری در ترجمه شیروانی دارد؟

در فرضیه سوال اول می‌توان گفت: ترجمه شیروانی از نهج البلاغه محتوا محور بوده چرا که در پی انتقال مقصود کلام امام علی (ع) به زبان مقصد می‌باشد؛ لذا از ترجمه لفظ به لفظ عبارات و جملات و به عبارتی دیگر ترجمه تحت اللفظی اجتناب ورزیده است.

و در فرضیه سوال دوم باید گفت: با توجه به نوع و روش ترجمه شیروانی از نهج البلاغه، به نظر می‌رسد سطح دوم و چهارم بازتاب بیشتری نسبت به دیگر سطوح چهارگانه گارسس داشته باشند.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در حوزه‌ی ترجمه متون عربی به فارسی و بالعکس بر اساس نظریه کارمن گارسس صورت گرفته، پژوهش‌های انگشت شماری می‌باشند که در اینجا به دو مورد آن‌ها اشاره می‌گردد:

- «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)» مقاله دیگری است که به قلم عیسی متقی زاده و سید علاء تقی زاده نوشته شده است و در سال (۱۳۹۶) در دو فصلنامه پژوهش‌های ترجمه عربی در زبان و ادبیات دانشگاه علامه طباطبایی دوره‌ی ۷، شماره ۱۶، به چاپ رسیده است. پژوهشگران در این مقاله، ترجمه‌ی عربی پیام رهبر معظم انقلاب به حجاج را بر اساس الگوی گارسس مورد ارزیابی قرار داده‌اند، از جمله یافته‌های پژوهش این است که تفاوت‌های فرهنگ موجود بین دو زبان فارسی و عربی و مهارت‌یابی در سطح واژگان و دستوری بر اساس اختلافات موجود، یکی از چالش‌های مهم در فرآیند این ترجمه می‌باشد.
- مقاله‌ای تحت عنوان «نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج البلاغه از منظر سطح معنایی- لغوی» به قلم محمد رحیمی خویگانی و همکاران به رشته تحریر در آمده که در سال(۱۳۹۷) در مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبایی، دوره۸ ، شماره ۱۹، به چاپ رسیده است. نتیجه این پژوهش مبین آن است که محمد دشتی در انتخاب‌های واژگانی خود، به بسط واژگان در قالب‌های مختلف گراییده و تا حد ممکن ابهام‌های واژگانی کلام امیر(ع) را با توضیح و تفسیر از میان برده، تا هیچ واژه مبهمی در ترجمه ایشان وجود نداشته باشد.

اما پژوهش‌هایی که درباره‌ی ترجمه علی شیروانی از نهج البلاغه صورت گرفته نیز به دو مورد اشاره می‌شود:

- مقاله‌ای تحت عنوان « ارزیابی فرآیند ترجمه واژگان نهج البلاغه بر اساس نظریه لادمیرال (۱۹۹۴) » که توسط علی صیادانی و سیامک اصغرپور به رشته تحریر در آمده که در سال (۱۳۹۶) در مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره چهارم، شماره ۸، به چاپ رسیده است. نگارندگان در این پژوهش با تکیه بر نظریه لادمیرال، به بررسی انواع روش‌های تعامل با واژه‌های نهج البلاغه در ترجمه و نیز به ارزیابی عملکرد علی شیروانی در ترجمه نهج البلاغه پرداخته‌اند که نتیجه پژوهش مبین آن است که رویکرد مترجم هم مبداگرا بوده و هم مقصدگرا و تلاش وی در جهت انتقال مفهوم متن مبدأ به زبان مقصد بوده است، لذا ترجمه‌ای به دور از تکلف ارائه داده است.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

- پژوهشی است با عنوان «بررسی ترجمه نهج البلاغه» نوشته بخشعلی قنبری، که در مجله کتاب ماه دین در سال (۱۳۸۴) در شماره‌های ۸۹-۹۰ به چاپ رسیده، نویسنده این مقاله ابتدا ترجمه‌های نهج البلاغه از آغاز ترجمه این کتاب به زبان فارسی تا دوره معاصر را ذکر کرده و سپس به بررسی ترجمه علی شیروانی پرداخته است.

بر اساس مطالعات صورت گرفته، تاکنون پژوهشی مستقل به بررسی و ارزیابی میزان کیفیت و مقبولیت ترجمه شیروانی بر اساس نظریه گارسس نپرداخته لذا پژوهش حاضر در پی انجام این مهم برآمده است.

۳. نظریه گارسس و سطوح چهارگانه

خانم کارمن والرو گارسس (Carmen Valero Garces) متولد ۱۹۵۸ میلادی در اسپانیا، استاد تمام دانشگاه آلکالا در شهر مادرید است وی دارای دکترای مطالعات زبان انگلیسی و عضو انجمن زبان‌شناسی کاربردی اسپانیا است. گارسس(۱۹۹۴) الگویی ترکیبی را در ارزیابی ترجمه به دست داده است که مرکب از الگوی پیشنهادی وینه وداربلنه (Vinay and Darbelnet) (۱۹۵۸) و عقاید دیگر صاحب‌نظران حوزه ترجمه مانند نایدا، نیومارک، دلیسل، وازکه ایورا، مونن، نوبرت، سنتویو یا توری می‌باشد. «الگوی گارسس، الگوی جدید و جامعی است که برای ارزیابی ترجمه ادبی به کار برده می‌شود تا ناقد ترجمه، گزینه‌های مترجم اعم از تنگناها و آزادی‌ها را بشناسد و از اظهارنظرهای مغرضانه، طرفدارانه، غیرملموس، و غیرمنطقی بپرهیزد.» (مختاری اردکانی، ۱۳۸۶: ۳۹). گارسس برای مقایسه شباهت‌های بین متن مبدأ و متن مقصد چهار سطح معنایی- لغوی، نحوی- واژه ساختی، گفتمانی- کارکردی و سطح سبکی- عملی پیشنهاد می‌کند که به گفته خود او گاهی این سطوح با هم تداخل دارند (گارسس،۱۹۹۴: ۷۹-۸۰). گارسس در این الگو، اجزای هر یک از سطوح پیشنهادی خود را به تکنیک‌های مثبت، منفی و خنثی تقسیم کرده و ارزیابی نهایی را بر اساس مقادیر به دست آمده از تکنیک‌های سه‌گانه با دو معیار کیفیت و مقبولیت، مورد سنجش قرار می‌دهد. در ادامه به شرح اجزای این چهار سطح پرداخته می‌شود:

«**الف - سطح معنایی - لغوی** (semantic-lexical): تعریف یا توضیح لغات برحسب اختلافات فرهنگی ، فنی یا زمانی، معادل فرهنگی یا کارکردی، اقتباس (معنی نزدیک)، بسط یا «بسط نحوی»(grammatical expansion)، قبض نحوی(reductiongrammatical)، عام برابر خاص یا بالعکس، ابهام.

ب- سطح نحوی واژه ساختی (morphological-syntactical**):** ترجمه تحت اللفظی و یک به یک، ترجمه از طریق تغییر نحو یا «دستور گردانی» (transposition)، ترجمه از طریق تغییر دیدگاه یا «دگر بینی» (modulation)، ترجمه از طریق جبران (compensation)، ترجمه از

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

طریق توضیح یا بسط معنی، ترجمه از طریق تلویح، تقلیل و حذف، ترجمه از طریق تغییر نوع جمله.

ج- سطح گفتمانی - کارکردی (discursive - functional): حذف منظور (تعهدات) متن اصلی، حذف حواشی، تغییر به علت اختلافات اجتماعی - فرهنگی، تغییر لحن، تغییر ساختار درونی متن مبدأ، تعدیل (کاهش) اصطلاحات محاوره‌ای.

د- سطح سبکی عملی (stylistic - pragmatic): بسط خلاقه (stylistic- pragmatic)، اشتباه مترجم، حفظ اعلام، حفظ ساختار خاص متن مبدأ، بیان نامناسب در متن مقصد، پرگوئی در برابر ساده‌گویی (elaboration versus simplification)، تغییر در صناعات بالاخص استعاره.»((گارسس،۱۹۹۴: ۷۹-۸۰).

همه این تکنیک‌ها به سه گروه عمده که هر نوع ترجمه‌ای را در بر می‌گیرد، تقسیم می‌گردد: «افزایش(addition)، مانش(حفظ) (conservation) و کاهش(suppression)؛ که در حیطه افزایش، تکنیک‌هایی که به بسط اطلاعات موجود در متن مبدأ می‌پردازند، عبارتنداز: تعریف، بسط، دستورگردانی، دگر بینی، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی - فرهنگی، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ بسط خلاقه و تفصیل (elaboration). و تکنیک‌هایی که در حوزه مانش (حفظ) اطلاعات می‌گنجد، عبارتند از: معادل فرهنگی، اقتباس، ابهام، ترجمه قرضی، ترجمه تحت اللفظی، جبران، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص و ساختارهای خاص متن مبدأ. و تکنیک‌هایی که کاهش را در بر می‌گیرند، عبارتند از: کاهش، حذف، حذف بن مایه متعهدانه، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف، اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم»(گارسس، ۱۹۹۴: ۸۵). پس از مطالعه چهار سطح زبانی در هر ترجمه و ملحوظ داشتن سه گروه فوق، هریک از تکنیک های فوق را می‌توان به سه دسته «مثبت، منفی و خنثی در ترجمه ادبی تقسیم کرد، که در زیرگروه تکنیک های مثبت(معادل فرهنگی، اقتباس، بسط، تعین (concretion)، جبران، دستورگردانی، دگر بینی، توضیح، حذف، تغییر برحسب اختلافات اجتماعی - فرهنگی، حفظ صناعات ادبی)، در زیر گروه تکنیک های منفی(ابهام، ترجمه فرضی(calque)، ساده‌سازی (simplification)، ترجمه تحت‌اللفظی، نارسایی (inadequqcy)، تغییر لحن، تغییر ساختار درونی، حذف (suppression)، تعدیل، کاهش، حفظ ساختارهای متن مبدأ، بسط خلاقه، پرگویی، اشتباه مترجم، حذف صناعات ادبی، تغییر صناعات ادبی) و در زیرگروه تکنیک های خنثی(تغییر در نوع ظرفیتی جمله، حفظ اسامی خاص متن مبدأ، تعریف.»(گارسس، ۱۹۹۴: ۸۹)؛ که ناقد ترجمه بر اساس این سه گروه، میزان کفایت و مقبولیت یک اثر ترجمه شده را تعیین می‌کند.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

۴. معرفی ترجمه علی شیروانی

مهم‌ترین ویژگی این ترجمه، که آن را از بسیاری از ترجمه‌های دیگر متمایز می‌سازد، و اساساً به دست دادن ترجمه‌ای دیگر از این کتاب شریف را مجاز می‌دارد، روانی و خوشخوان بودن آن است. مخاطب اصلی این ترجمه عموم مردم هستند، یعنی کسانی که در ادبیات فارسی و نیز دانسته‌های دینی متخصص نیستند. از این رو تلاش شد تا جملات در حد امکان کوتاه و دور از پیچیدگی‌های ساختاری و ادبی پرداخته شود، و واژگان غریب و نامأنوس به کار نرود. در این ترجمه تلاش بر آن بود که در حد امکان از مدار سخن امیر مؤمنان خارج نشوم، و ترجمه‌ای مطابق با متن و برابر با اصل فراهم آورم، به‌گونه‌ای که بتوان معادل هر جمله و عبارت و حتی واژه را در ترجمه یافت. البته اهل فن می‌دانند که رعایت توأمان این دو اصل (روانی و دقت) در ترجمه متنی چون نهج البلاغه چه اندازه دشوار است. به واقع مترجمان ارجمند این کتاب شریف -که خداوند تمامی آنان را خیر عظیم و اجر جزیل دهاد- هر اندازه خواسته‌اند یکی از این دو اصل را رعایت کنند از دیگری فاصله گرفته‌اند، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت ترجمه‌های نهج البلاغه هر چه دقیق‌تر شده‌اند، دیریاب و سخت خوان‌تر گشته‌اند، و هرچه سلیس و زودیاب شده‌اند دقت و درستی را از دست داده‌اند. کوتاه سخن آنکه سعی مترجم آن بود که نه دقت ترجمه را فدای روانی آن نماید و نه روانی ترجمه را قربانی دقت آن کنند، و ترجمه‌ای به دست دهد که در نقطه‌ی اعتدال و استقامت باشد، به دور از افراط ترجمه آزاد، و تفریط ترجمه تحت‌اللفظ (شیروانی، ۱۳۸۳: ۲۶).

۵. بحث و بررسی

در این بخش از مقاله به نقد و ارزیابی بخش‌های انتخابی ترجمه‌ی شیروانی از نهج البلاغه می‌پردازیم و لازم به ذکر است که سطح سومِ این الگو قابلیت انطباق چندانی در ترجمه مذکور نداشته لذا از ذکر آن در قسمت بعدی مقاله خودداری می‌کنیم.

۱-۵. بررسی سطح معنایی - لغوی

۱-۱-۵. تعریف یا توضیح لغات برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زمانی: به معنای بیان واژه است به صورت عبارت اسمی یا شبه جمله صفت(نیومارک،۱۹۸۱: ۳۱)؛ و توضیح افزودن اطلاعاتی است که بر حسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی بین مخاطب اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند(گارسس،۱۹۹۴: ۸۰). این تکنیک فاقد نمونه در بخش‌های انتخابی ترجمه می‌باشد اما بر اساس مطالعاتی که در این پژوهش بر روی ترجمه شیروانی صورت گرفته بیانگر این است که مترجم، هرجا لازم می‌بیند برای آگاهی و فهم بیشتر مخاطب، توضیحات مختصری در پاورقی ذکر می‌کند که در جای خود مفید می‌باشد.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

۲-۱-۵. معادل فرهنگی یا کارکردی: که واژه‌ی فرهنگی یا کارکردی زبان مبدأ با مشابه آن در زبان مقصد جایگزین می‌شود(نیومارک، ۱۹۸۱: ۳۲). این دو روش ترجمه معمولاً واژه زبان مبدأ را عام یا فرهنگ‌زدایی می‌نماید و گاهی معانی جدیدی بدان می‌افزاید یا از آن می‌کاهد(مختاری اردکانی،۱۳۸۶: ۱۶). فاقد نمونه

۳-۱-۵. اقتباس (معنی نزدیک) اقتباس یا معنای نزدیک به کار بردن معادل جا افتاده است که در این شیوه، پیامی از طریق موقعیت مشابه انتقال می‌یابد(گارسس،۱۹۹۴: ۸۱). به عنوان مثال:

- مُتَوَحِّدٌ إِذْ لَا سَكَنَ يَسْتَأْنِسُ بِهِ (خطبه/ ۱): یگانه است چرا که دمسازی نیست که با او انس گیرد.

مترجم در ترجمه فعل «لا سکن»، معادل نزدیک آن (دمسازی نیست) را در زبان مقصد به کار برده است.

۴-۱-۵. بسط نحوی: بسط یا «بسط نحوی» عبارت است از افزودن یک یا چند واژه به ترجمه برحسب ضرورت؛ به بیانی دیگر؛ یعنی مفهومی که در متن مبدأ به تلویح بیان شده باید در زبان مقصد تصریح گردد(گارسس،۱۹۹۴: ۸۱). به کارگیری این تکنیک در اکثر ترجمه‌ها امری طبیعی و اجتناب ناپذیر است چرا که مترجم برای روان شدن متن ترجمه‌ای خود، به ناچار از این شیوه کمک می‌گیرد. نمونه‌هایی که در ادامه می‌آید گویای این مطلب می‌باشد؛ و به علت فراوانی شاهدمثال‌ها تنها به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم:

- وَ مَنْ قَالَ (-) فِيمَ؟ (خطبه/۱): کسی که بگوید [خدا] در چیست؟
- وَ (-) التَّوْبَةُ مَبْسُوطَةٌ(-) (خطبه/۲۳۷) و راه توبه باز است.
- وَالْمُدْبِرُ(-) يُدْعى(همان) و رویگردانان از خدا فرا می خوانند.
- (-) قَبْلَ اَنْ يَخْمُدَ (-) الْعَمَلُ(همان) [عمل کنید] پیش از انکه شعله عمل به خاموشی گراید.
- وَ مِنْ (-) فان لِ(-) باق(همان) و از دنیای فانی برای جهان باقی...
- (-) اِمْرُؤٌ (-) اَلْجَمَ نَفْسَهُ بِلِجامِها (همان) او مردی است که نفس خود را لجام زده.
- (-) هُمْ عَيْشُ الْعِلْمِ (خطبه/ ۲۳۹) خاندان پیامبر مایه حیات دانش، و نابودی جهل‌اند.
- لِتَنَازَعُوا(-) سَبَقَه(خطبه/۲۴۱) تا برای رسیدن به هدف از یکدیگر پیشی گیرید.

در نمونه های فوق بسط نحوی به شکل افزودن افعال اسنادی و افعال خاص در ترجمه، آوردن اسم به جای ضمیر جهت شفاف ساختن مقصود متن اصلی و نیز افزودن برخی واژه‌ها به ترجمه در

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

حالیکه معادل عربی آنها در متن زبان مبدأ وجود ندارد و تنها به منظور ایضاح و شفافیت بیشتر پیام واژه یا عبارت متن زبان مبدأ به زبان مقصد اضافه شده، آمده است.

۵-۱-۵. قبض نحوی: قبض نحوی، عکس شیوه فوق (بسط نحوی) است و آن به کار بردن یک واژه زبان مقصد است در برابر چند واژه زبان مبدأ که نظریه‌پردازان ترجمه هر کدام آن را اصطلاحی داده‌اند(نیومارک،۱۹۸۸: ۹۰). عبارت‌های زیر نمونه‌ای از کاربرد قبض نحوی در ترجمه شیروانی می‌باشد:

- فَاعْمَلُوا وَ اَنْتُمْ فی نَفَسِ الْبَقاءِ(خطبه/۲۳۷) عمل کنید اینک که زنده‌اید.

در این نمونه، مترجم قبض واژگانی را در ترجمه کلمات مشخص شده اعمال کرده است.

- وَ اطْوُوا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ (خطبه/۲۴۱) و دامن را در هم بپیچید.

در این شاهد مثال، مقصود از «فضول الخواصر» بلندی دامن یا کناره‌های دامن مد نظر است که مترجم از تکنیک قبض نحوی بهره گرفته و آن را تنها به «دامن» ترجمه کرده است.

۶-۱-۵. عام برابر خاص یا بالعکس: ترجمه لغت خاص(ذات) به عام (معنی) است یا بالعکس(گارسس،۱۹۹۴: ۸۱). فاقد نمونه

۷-۱-۵. ابهام: گاهی در ترجمه ابهام پیش می‌آید که مترجم باید در رفع آن بکوشد. ابهام ممکن است عمدی باشد یا سهوی، اگر عمدی باشد باید آن را به زبان مقصد انتقال داد، اگر سهوی باشد باید آن را برطرف کرد(نیومارک،۱۹۸۸: ۲۰۶-۲۰۷). فاقد نمونه

۲-۵. بررسی سطح نحوی- واژه ساختی

۱-۲-۵. ترجمه تحت‌اللفظی: گارسس«معتقد است که وقتی این شیوه از حد فراتر رود، رفته رفته کار مشکل‌تر می‌شود.»(گارسس، ۱۹۹۴: ۸۱). این مولفه در بخش‌های انتخابی ترجمه فاقد نمونه می‌باشد.

۲-۲-۵. ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستور گردانی: در تعاریف ترجمه چه تلویحاً و چه تصریحاً ترجمه را با تغییر ملازم دانسته‌اند. زیرا ترجمه چه از دیدگاه نظری و چه از دیدگاه واقعی و عملی به آن بنگریم، بدون تغییر امکان ندارد. تفاوت میان تعریف‌ها تفاوت میان حدومرزی است که برای تغییر قائل شده‌اند در ترجمه تحت‌اللفظی، تغییر به حداقل ممکن خود می‌رسد و در

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

ترجمه آزاد تغییر بیان حد و مرزی ندارد. این اصطلاحِ تغییر را اولین بار کتفورد (۱۹۶۵) در چهارچوب نظریه‌ی زبان‌شناختی ترجمه به کار برده است. از این دیدگاه، تغییر به سطح کلمات و نحو یعنی به چهارچوب جمله محدود می‌شود. از نظر کتفورد، تغییر وقتی صورت می‌گیرد که کلمه یا ساختار متن مبدأ نظیری در زبان مقصد ندارد و مترجم ناگزیر از انجام تغییر است. به عبارت دیگر هر زبان قوانین دستوری خاصی دارد و از آنجا که مترجم باید ضرورتاً از قوانین زبان مقصد متابعت کند، در مواردی که دو زبان بر یکدیگر انطباق نمی‌یابند، تغییر اجتناب‌ناپذیر است(خزاعی‌فر، ۱۳۸۸: ۴۴). در تغییر نحو یا دستور گردانی نیز گاهی مترجم ناگزیر است اجزای کلام را تغییر دهد و اصولاً ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستور گردانی وقتی انجام می‌گیرد که:

۱- ساختار دستوری مشابه در زبان مقصد وجود نداشته باشد.

۲- ترجمه تحت‌اللفظی امکان‌پذیر باشد، اما طبیعی جلوه نکند.

۳- خلاء واژگانی موجود، با ساخت نحوی جبران‌پذیر باشد(نیومارک،۱۹۸۸: ۸۵-۸۸).

این تکنیک در الگوی گارسس امری است مثبت که اغلب مترجمان با در نظر گرفتن ساختار ویژه‌ی هر زبان برای سلیس و روان بودنِ اثر ترجمه‌ای خود به کار می‌گیرند، به نمونه هایی از کاربرد این تکنیک در ترجمه شیروانی میپردازیم:

- الَّذِي لَيْسَ لِصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ (خطبه/۱): خدایی که صفت‌های او به تعریف نیاید، و وصف نشود. (تبدیل فعل ناقص به فعل تام در ترجمه).
- وَ لَا وَقْتٌ مَعْدُود (همان): و در زمان نگنجد. (تبدیل لا شبیه به لیس به فعل تام در ترجمه).
- مَوْجُودٌ لَا عَنْ عَدَمٍ (همان): موجود است اما از نیستی پدید نیامده. (تبدیل حرف نفی به فعل در ترجمه).
- فَاعِلٌ لَا بِمَعْنَى الْحَرَكَاتِ وَ الآلَةِ (همان): کننده است نه بدین معنا که حرکتی از او سر زند و ابزاری داشته باشد. (تبدیل یک جمله به دو جمله و تبدیل حرف نفی به فعل در ترجمه).
- فَمَخَضَتْهُ مَخْضَ السِّقَاءِ (همان): پس آن باد آب را چنان که گویی مشکی را می‌جنباند به هم زد. (تبدیل مفعول مطلق به جمله مستقل در ترجمه).
- وَ مُسَبِّحُونَ لَا يَسْأَمُونَ (همان): و [بعضی] تسبیح می‌گویند و خسته نمی‌شوند. (تبدیل اسم فاعل به فعل در ترجمه).
- كَائِنٌ لَا عَنْ حَدَثٍ مَوْجُودٌ(همان) هست اما نه آنکه حادث باشد. (تبدیل اسم فاعل به فعل اسنادی در ترجمه).

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

- ثُمَّ أَنْشَأَ سُبْحَانَهُ فَتْقَ الْأَجْوَاءِ وَ شَقَّ الْأَرْجَاءِ وَ سَكَائِكَ الْهَوَاءِ (همان): آنگاه که خدای پاک فضاهای شکافته، و کرانه‌های گشوده، و فضاهای خالی را آفرید. (تبدیل مضاف و مضاف‌الیه به موصوف و صفت در ترجمه)
- لِشَهَادَةِ كُلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَيْرُ الْمَوْصُوفِ (همان): چرا که هر صفتی [که محدود و زاید بر ذات باشد] گواهی می‌دهد که چیزی غیر از موصوف است. (تبدیل مصدر به فعل در ترجمه).
- وَ مِنْ ذاهِبٍ لِدائِمٍ (خطبه/۲۳۷) و از دوره‌ای که می‌گذرد برای دوره‌ای که می‌ماند. (تبدیل اسم فاعل به عبارت فعلی).
- اِمْرُؤٌ خافَ اللّهَ (همان) چنین کس مردی است که از خدا ترسیده (تبدیل اسم به عبارت فعلی یا جمله).

۳-۲-۵. ترجمه از طریق تغییر دیدگاه یا «دگربینی»: این اصطلاح از وینی و داربلنه است و به مفهوم «تغییر از طریق اختلاف طرز تلقی و بیشتر طرز تفکر به کار می‌رود. کاربرد آن در مواردی است که زبان مقصد ترجمه تحت‌اللفظی را برنمی‌تابد.» (نیومارک،۱۹۸۸: ۸۸). «وینه و داربلنه وازکه ایورا بیش از ده مورد تغییر دیدگاه را بر می‌شمارند از جمله این موارد عبارت است از: بیان اسم ذات به جای اسم معنی، بیان وسیله به جای نتیجه، بیان از طریق یک حس به جای حس دیگر، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت دو بار منفی به عبارت مثبت و برعکس.»(گارسس،۱۹۹۴: ۸۲). البته دگربینی‌های دیگری نیز وجود دارد، مثل علایق گوناگون مجاز، کل به‌جز، جز به‌کل، حال به محل، ظرف به مظروف، خصوص به عموم، عموم به خصوص، مسبب به سبب، کان و ما یکون، لازم و ملزوم و... که برای پرهیز از درازگویی از ذکر آنها در می‌گذریم (ماندی،۱۳۸۴: ۷۰-۷۱). در اینجا به نمونه‌هایی از تغییر دیدگاه در ترجمه منتخب می‌پردازیم:

- وَ وَتَّدَ بِالصُّخُورِ مَيَدَانَ أَرْضِهِ (خطبه/۱): و لرزه زمین را به وسیله صخره‌ها و [کوه‌ها] مهار ساخت. (بیان نتیجه به‌جای وسیله در ترجمه).
- وَالْمُدْبِرُ يُدْعى(خطبه/۲۳۷) و رویگردانان از خدا فرا می خوانند. (تبدیل مجهول به معلوم)
- وَالْمُسيءُ يُرْجى (همان) و بدکرداران را امید می دهند. (تبدیل مجهول به معلوم)
- فَاَخَذَ امْرُؤٌ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ(همان) هرکس باید خود برای خود بکوشد (بیان نتیجه به جای وسیله؛ چرا که از کوشیدن توشه بر گرفتن را اراده کرده است)
- وَ مَوْتُ الْجَهْلِ (خطبه/۲۳۹) خاندان پیامبر مایه حیات دانش، و نابودی جهل‌اند (بیان نتیجه به جای وسیله)

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

۴-۲-۵. ترجمه از طریق جبران: عبارت است از جبران افت معنی، لفظ یا صناعات ادبی یا تاثیر عملی در قسمت دیگر جمله یا جمله مجاور(نیومارک، ۱۹۸۸: ۹۰). فاقد نمونه

۵-۲-۵. ترجمه از طریق توضیح یا بسط معنی: «توضیح یا بسط معنی قسمتی از متن که باید در متن مقصد تصریح شود.»(گارسس،۱۹۹۴: ۸۲). «از نظر نیومارک، مترجم یا به خواننده اهمیت می‌دهد و لذا ترجمه‌ای روان و سلیس را در اختیار او قرار می‌دهد که به آن ترجمه ارتباطی یا مقصد گرا می‌گویند و یا اینکه به نویسنده اهمیت می‌دهد و تلاش می‌کند تا مقصود و منظور نویسنده را بدون حذف و اضافه بیان کند که بدان ترجمه معنایی یا ترجمه مبداگرا می‌گویند»(عقیلی آشتیانی،۱۳۸۲: ۸). بر اساس همین تعریف می‌توان گفت هدف مترجم، ارائه‌ی متنی سلیس و روان و قابل فهم برای مخاطبانش می‌باشد که اغلب ترجمه‌ها از این ویژگی برخوردارند؛ ترجمه شیروانی نیز از این اصل مستثنی نمی‌باشد. نمونه‌هایی که در ادامه می‌آید مترجم در آن‌ها به توضیح و بسط معنا پرداخته تا مقصود متن مبدأ را به طور کامل به مخاطبان ارائه دارد:

- وَ كَمَالُ تَوْحِيدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ (خطبه /۱): و درست یگانه دانستن او خالص ساختن [خود و اعمال خود] برای او [و به نحو شایسته اطاعت کردن او] ست.
- وَ كَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْيُ الصِّفَاتِ عَنْهُ (همان): و درست خالص ساختن [خود و اعمال خود] برای خدا نفی صفات [زاید بر ذات و یا نفی صفات ممکنات] از اوست.
- فَمَنْ وَصَفَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَقَدْ قَرَنَهُ (همان): پس هر کس خدای پاک را [به صفات زاید بر ذات یا به صفات ممکنات] وصف کند او را [با چیزی] مقارن [و همراه] دانسته.
- وَ مِنْهُمْ أُمَنَاءُ عَلَى وَحْيِهِ وَ أَلْسِنَةٌ إِلَى رُسُلِهِ وَ مُخْتَلِفُونَ بِقَضَائِهِ وَ أَمْرِهِ (همان): دسته‌ای [دیگر از ایشان] امنای وحی او، و زبان‌ها [و ترجمان] پیامبران او هستند، و برای رساندن فرمان خدا [در میان خلق] آمد و شد می‌کنند.
- الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ بُعْدُ الْهِمَمِ وَ لَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطَنِ (خطبه/۱): خدایی که صاحبان همت‌های بلند به [کنه ذات] او نرسند، و هوش‌های غواص[و اندیشه‌های سرشار هر چند ژرف اندیشی کنند] به او دست نیابند.
- فَقَدْ ضَمَّنَهُ (همان): او را در ضمن چیزی نهاده[و زمان و مکانی برایش در نظر گرفته].
- كَائِنٌ لَا عَنْ حَدَثٍ (همان): هست اما نه آن که حادث [و سابقه نیستی داشته] باشد.
- ثُمَّ زَيَّنَهَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَ ضِيَاءِ الثَّوَاقِبِ (همان): پس آن [= پایین‌ترین آسمان] را به زینت کوکب‌ها و نور ستارگان تابان آراست.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

- وَ مَنْظُورٌ لِی عَمَلِهِ (خطبه/۲۳۷) و برای به جای آوردن عمل صالح مهلتش داده‌اند.
- لَا تَجْتَمِعُ عَزِیمَةٌ وَ وَلِیمَةٌ. (خطبه/۲۴۱) که آهنگ جدی [و رسیدن به ارزش‌های بلند] با شکمبارگی [و خوشگذارنی] جمع نمی‌شود.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد به کارگیری این روش در ترجمه شیروانی بسیار فراوان است و نگارندگان تنها به ذکر برخی موارد بسنده کرده‌اند، شایان ذکر است که تصریح و بسط از مواردی است که مترجم مختار است در فرآیند ترجمه آن را به کار ببرد؛ چرا که استفاده از این تکنیک به روشن شدن هر چه بیشتر پیام متن مبدأ منجر می‌گردد اما مترجم باید در نظر داشته باشد که بسط و توضیح بیشتر و غیر مفید منجر به بسط خلاقه می‌شود که تکنیکی منفی به شمار می‌رود و این امر نیز از میزان مقبولیت و کیفیت متن ترجمه می‌کاهد.

۶-۲-۵. ترجمه از طریق تلویح، تقلیل و حذف: یعنی عناصری که در متن اصلی تصریح شده می‌توان به تلویح بیان کرد یا کاهش داد و یا به طور کلی حذف کرد(گارسس، ۱۹۹۴: ۱۴۹). نیومارک می‌نویسد: «مترجم باید در قبال هر کلمه‌ای که از متن اصلی حذف می‌کند، پاسخگو باشد(نیومارک،۱۹۸۱: ۱۶۹). نمونه هایی از این حذف در ترجمه شیروانی مشهود است مانند:

- أَنْشَأَ الْخَلْقَ إِنْشَاءً (خطبه /۱): خلق را پدید آورد. (حذف معادل کلمه‌ی «إِنْشَاءً» در ترجمه).
- فَمَلَأَهُنَّ أَطْوَاراً مِنْ مَلَائِکَتِهِ(همان): و آنها را از فرشتگان پر ساخت. (حذف معادل کلمه «أَطْوَارا» در ترجمه).
- اِمْرُؤٌ اَلْجَمَ نَفْسَهُ بِلِجامِها (خطبه/۲۳۷) او مردی است که نفس خود را لجام زده. (حذف معادل بِلِجامِها در ترجمه)

در نمونه های فوق کلماتی از متن مبدا نادیده گرفته شده و ترجمه آنها به زبان مقصد انتقال نیافته است در توضیح این مورد باید گفت: «مترجمی که خواننده را در نظر دارد سعی می‌کند در ترجمه، متن را تغییر و کاهش دهد و به منظور وضوح، سادگی و گاهی اختصار متن از واژه‌های عام‌تر و قابل فهم‌تر استفاده کند، این کار سبب می‌شود برای آنکه بتواند همه‌ی واژه‌ها را در ارتباط با هم ترجمه کند چیزهایی را حذف کند(مترجم وظیفه دارد تک به تک واژه‌های زبان مبدأ را روشن سازد نه آنکه آنها را ترجمه کند)» (نیومارک، ۱۹۱۶: ۱۰۲)؛ لذا در شاهدمثال‌های فوق نیز مترجم به ناچار برخی کلمات را حذف کرده تا ترجمه ای قابل فهم و روان ارائه دهد، اما نباید این مهم را فراموش کرد که اگر واژه‌ای از متن مبدا حذف گردد که به محتوای متن آسیب می‌رساند مترجم در مقابل آن باید پاسخگو باشد به ویژه اینکه متن مورد ترجمه جزء متون مذهبی باشد.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

۷-۲-۵. ترجمه از طریق تغییر نوع جمله: گاهی به ضرورت یا به اشتباه نوع جمله عوض می-شود(گارسس، ۱۹۹۴: ۱۴۹). فاقد نمونه

۳-۵. بررسی سطح چهارم (سبکی - عملی)

۱-۳-۵. بسط خلاقه: بسط خلاقه عبارت است از تغییرات ظریف و زیبایی که مترجم مطابق ذوق و پسند خود به وجود می‌آورد. مترجم ممکن است سبکی را برگزیند که «برای او طبیعی‌تر است یا میل او را اقناع می‌کند.»(گارسس، ۱۹۹۴: ۸۳). بسط خلاقه در ترجمه شیروانی مانند:

- لَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَ وَلِيمَةٌ. (خطبه/۲۴۱) که آهنگ جدی [و رسیدن به ارزش های بلند] با شکمبارگی [و خوشگذارنی] جمع نمی شود.

با توجه به صریح بودن معنای دو واژه‌ی « عَزِيمَةٌ وَ وَلِيمَةٌ » و نیز با توجه به سیاق جمله و آنکه جمله با داشتن ایجاز، دارای معنای بسیار غنی می‌باشد و مترجم نیز لزوماً بایستی این ایجاز و غنای معانی را در ترجمه خود انعکاس می‌داد، اما مترجم بر خلاف آن عمل کرده و ایجاز را به اطناب کشانیده و مطابق ذوق ادبی خود، غنای معنا را با بسط و گسترش بیهوده از بین برده است.

۲-۳-۵. اشتباه مترجم: که ناشی از بدفهمی یا کم‌دانی مترجم در زبان مبدأ و مقصد یا موضوع ترجمه است، گارسس می‌گوید: «چون زبان بیانگر فرهنگ است، مترجم باید دو فرهنگه باشد، نه دو زبانه.» (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۳). این مؤلفه در ترجمه شیروانی نیز به چشم می‌خورد از جمله:

- وَ مَنْ أَشَارَ إِلَيْهِ فَقَدْ حَدَّهُ (خطبه/۱): و هر کس به سوی او اشاره کند او را محدود پنداشته.
- وَ مَنْ حَدَّهُ فَقَدْ عَدَّهُ (همان): و هر کس او را محدود پندارد او را شمارش آورده [و او را متعدد دانسته] است.

در دو مورد فوق، ترجمه صحیح جملات «فَقَدْ حَدَّهُ و وَ مَنْ حَدَّهُ» بدین صورت می‌باشد: (او را معین و مشخص کرده است) چرا که محدود پنداشتن چیزی، جدای از معین و مشخص کردن چیزیست. معین و مشخص کردن چیزی به معنای شناخت و سپس تعیین حد و حدود آن است. به عبارت دیگر محدود پنداشتن چیزی اشاره به کمیت و تعداد آن دارد نه کیفیت و چگونگی آن.

- وَ انْقَطَعَ لِسَانُهُ عَنْ مَنْبِتِهِ (خطبه/۲۳۹) و زبانش از ریشه برآمد.

در این مثال مترجم به علت ترجمه ی ادبی با بهره گیری از یک واژه ی ادبی در پی ترجمه‌ی این کلمه برآمده حال آنکه نتوانسته اصل معنا را ادا کند چرا که «برآمدن» به همراه کلمه‌ی «ریشه» به معنای روییدن می‌باشد؛ لذا بهتر بود اینگونه ترجمه می‌کرد:

ترجمه پیشنهادی: و زبانش از ریشه درآمد [کنده شد].

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

- مُمْهِلُكُمْ فِي مِضْمَارٍ مَحْدُودٍ (خطبه/۲۴۱) و در میدان فراخ مسابقه مهلتتان داده.

مترجم معنای کلمه‌ی «محدود» را کاملاً متضاد ترجمه کرده است؛ چرا که «محدود» به مکان مشخص و حد و مرزدار را گویند اما مترجم به اشتباه «فراخ» معنی کرده که کاملاً معنایی متضاد با منظور کلام امیر (ع) دارد.

- مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ وَ أَمْحَى الظُّلَمَ لِتَذَاكِيرِ الْهِمَمِ (همان) چه بسیار تصمیم‌های روز را که خواب شبانگاه درهم شکسته، و چه بسیار همت‌ها را که تاریکی فراموشی از بین برده.

از نظر نگارنده با توجه به نقش (النَّوْمَ) که مفعول به برای صیغه تعجب (ما انقض) می‌باشد. در اینجا گویا مراد امام (ع) این بوده که «چه بسیار تصمیم‌هایی که در روز گرفته شده؛ خوابِ شب و روز را درهم شکسته و چه بسیار یادآوری همت‌ها و اراده‌ها، تاریکی محو شده و اراده کننده تاریکی را فراموش کرده و در فکر خواب نبوده و به دنبال کوشش برای محقق کردن اهداف خود می‌باشد. بنابراین بهتر بود اینگونه ترجمه می‌شد:

ترجمه پیشنهادی: چه بسیار اراده و تصمیم‌های روز که خواب را درهم شکسته و چه بسیار یادآوری‌های همت و تلاش که تاریکی را از بین برده است.

۳-۳-۵. حفظ اعلام: مترجم در برخورد با اسامی خاص روش‌هایی را در پی می‌گیرد از جمله اینکه:

الف)گاهی اسم خاص را ترجمه می‌کند. ب)گاهی مستقیماً به متن مقصد انتقال می‌دهد. ج) و در مواردی به همراه معنی یا توضیح می‌آورد(مختاری اردکانی،۱۳۸۶ : ۲۷-۲۸). شیروانی نیز در ترجمه نهج البلاغه **برخی اسامی را یا با اصطلاح عامی و ترجمه‌ی آن به متن مقصد منتقل می‌سازد مانند:**

- وَ تَصْعَدَ الْمَلائِكَةُ(خطبه/۲۳۷) و فرشتگان به آسمان روند.
- وَ اللَّهُ مُسْتَأْدِيكُمْ شُكْرَهُ(خطبه/۲۴۱) خداوند شکرگذاری را برعهده‌ی شما نهاده.

و یا آن را حفظ کرده و مستقیماً در زبان مقصد می‌آورد، مانند:

- اسْجُدُوا لآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ(خطبه/۱) «برای آدم سجده کنید! همه سجده کردند، مگر ابلیس».
- وَ اجتبالتهم الشَّيَاطِينُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ(همان) و شیاطین آنان را از معرفت به او بازداشته.
- أَنْ بَعَثَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّداً رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله(همان) تا آنگاه خدای پاک محمد رسول الله را برای تحقق وعده‌اش، و اتمام نبوتش برانگیخت.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

۴-۳-۵. حفظ ساختار خاص متن مبدأ: «اغلب مترجمان کم تجربه جادوی نحو زبان مبدأ می‌شوند و آن را در زبان مقصد منعکس می‌نمایند.»(مختاری اردکانی، ۱۳۸۶: ۲۸) فاقد نمونه در بخش‌های انتخابی ترجمه.

۵-۳-۵. بیان نامناسب در متن مقصد: فاقد نمونه.

۶-۳-۵. پرگوئی در برابر ساده‌گویی: پرگویی یا ترجمه آزاد، آخرین چاره مترجم است(گارسس، ۱۹۹۴: ۸۳). پرگویی در ترجمه شیروانی مانند:

- وَ لَا يَنَالُهُ غَوْصُ الْفِطَنِ (خطبه /۱): و هوش‌های غواص[و اندیشه‌های سرشار هر چند ژرف اندیشی کنند] به او دست نیابند.
- مُتَوَحِّدٌ إِذْ لَا سَكَنَ يَسْتَأْنِسُ بِهِ وَ لَا يَسْتَوْحِشُ لِفَقْدِهِ (همان): یگانه است چرا که دمسازی نیست که با او انس گیرد و [البته او نیازی به دمساز ندارد، و از این رو] از نداشتن آن به هراس نمی‌افتد.
- وَ أَلْزَمَهَا أَشْبَاحَهَا عَالِماً بِهَا قَبْلَ ابْتِدَائِهَا مُحِيطاً بِحُدُودِهَا وَ انْتِهَائِهَا (همان): و آن را همراهش ساخت[به گونه‌ای که هرگز از آن جدا نگردد]، و [او] در حالی [آنان را بیافرید] که پیش از آن پدید آوردنشان از [تمام ویژگی‌های آنها] آگاه بود. و به حدود وجودی و پایانشان احاطه [کامل] داشت.
- حَتَّى عَبَّ عُبَابُهُ (همان): تا [بالا و پایین آب به خوبی در هم آمیخت و] آب فراوانی روی هم انباشته گردید.
- نَاكِسَةٌ دُونَهُ أَبْصَارُهُمْ (همان): [این گروه از فرشتگان] چشمانشان در برابر عرش فرو افتاده و [از هیبت عظمت الهی به بالا نمی‌توانند بنگرند].

در مثال‌های فوق عباراتی که در ترجمه مشخص شده، توسط مترجم به متن مقصد اضافه شده و معادل عربی آنها در متن مبدأ وجود ندارد و همانطور که ملاحظه می‌گردد نیازی به ذکر هیچ یک نبوده و تنها به حجم ترجمه افزوده است. این تکنیک نیز همچون بسط خلاقه تنها موجب افزایش حجم ترجمه می‌گردد و مترجم در مواردی که به ظن خود قادر به ارائه ترجمه‌ای مطابق و معادل با متن مبدأ نمی‌باشد دست به پرگوئی می‌زند تا به شفاف سازی متن مبدأ کمک کرده باشد حال آنکه این امر در نظر گارسس منفی است و مترجم نباید از این تکنیک استفاده کند و این قبیل افزوده‌ها را تنها به پانوشت اختصاص دهد.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]
[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]
[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

۷-۳-۵. تغییر در صناعات بدیعی، بالأخص استعاره: مترجم باید تشخیص دهد که چه تعداد از آرایه‌ها را نگاه دارد و چه تعداد را حذف نماید و چه تعداد را تغییر دهد(گارسس،۱۹۹۴: ۸۵).
فاقد نمونه

نتیجه‌گیری

اهم دستاوردهای پژوهش حاضر که مبنی بر ارزیابی ترجمه علی شیروانی بر اساس الگوی گارسس می‌باشد در موارد ذیل خلاصه می‌گردد:

-این الگو برای مقایسه شباهت‌های بین متن مبدأ و متن مقصد، چهار سطح معنایی- لغوی، نحوی- واژه ساختی، گفتمانی- کارکردی و سطح سبکی- عملی پیشنهاد شده و بر اساس این سطوح چهارگانه به ارزیابی میزان کیفیت و مقبولیت ترجمه علی شیروانی شد.

- بر اساس نتایج ارزیابی بر اساس تکنیک‌های مثبت، منفی و خنثی که در الگوی گارسس مطرح است، می‌توان گفت: شیروانی در ترجمه، محتوا محور بوده و اغلب به توضیح و بسط معنای کلام امیر(ع) می‌پردازد که این ویژگی فرصتی برای تأمل مخاطب در کلام امیر(ع) در جهت دریافت کنه مقصود باقی نمی‌گذارد، به عبارتی دیگر شیروانی نه در ظواهر لفظ درگیر می‌شود و نه تسلیم ایجاز در این اعجاز؛ وی تنها رسالتش را رساندن مقصود علی(ع) به مخاطبان فارسی‌زبان آن هم به سبکی شیوا و روان می‌بیند و در این راه نیز موفق عمل می‌کند.

- از بین سطوح چهارگانه الگوی گارسس، سطح دوم و چهارم بیشترین بسامد را در ترجمه شیروانی دارد. وی در برخی مواضع از تکنیک‌های مثبتی چون بسط نحوی، تغیر نحو یا دستورگردانی، تغییر دیدگاه و... بهره می‌گیرد اما از سویی دیگر نکات منفی نیز در ترجمه ایشان از جمله: حذف، اشتباه در ترجمه، پرگویی و... مشهود است که از برخورداری از کیفیت والا در ترجمه‌اش می‌کاهد.

منابع و مآخذ

- نهج البلاغه.
- خزاعی فر، علی، (۱۳۸۸)، ترجمه متون ادبی، چاپ هفتم، تهران: سمت.
- عقیلی آشتیانی، علی اکبر، (۱۳۸۲)، ترجمه متون ادبی، ویرایش علی بهرامی، تهران: رهنما.
- ماندی، جرمی، (۱۳۸٤)، آشنایی با مطالعات ترجمه (نظریه‌ها و کاربردها)، ترجمه‌ی حمید کاشانیان، چاپ اول. تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و خدمات فرهنگی هنری رخ.
- مختاری اردکانی، محمد علی، (۱۳۸٦)، استعاره ترجمه (مجموعه مقالات در مورد ترجمه)، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

[Downloaded from jsal.ierf.ir on 2025-05-09]

[DOR: 20.1001.1.29809304.1401.6.1.3.0]

[DOI: 10.52547/jsal.6.1.61]

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

Nahj al-Balagheh.

Khazaeifar, A., (2008), *Translation of literary texts*, 7th Edition, Tehran: Samt.

Aghili Ashtiyani, A., (1382), *Translation of literary texts*, edited by Ali Bahrami, Tehran: Rahnema.

Mandi, J., (1384), *Introduction to translation studies (theories and applications)*, translated by Hamid Kashanian, 1th Edition. Tehran: Rukh Publications.

Mokhtari Ardakani, M., (2006), *Metaphor of translation (Collection of articles on translation)*, Kerman: Shahid Bahonar University, Kerman.

Bassnett McGuire, S., (1991). *Translation Atudies London*: routledge.

Garces, C. V., (1994). "A methodological proposal for the assessment of ranslated literary works: A case study The Scarlet Letter by N.Hawthorne into Spanish", Babel. Vol. 40, No. 2, pp. 77- 102. Doi: 10.1075/babel.40.2.03val

Newmark, P., (1981). *Approaches of Tranalation*. England: Prentice Hall International (UK).

Newmark, P., (1988). *A textbook of Translation*. New York: Prentice-Hall.

-http://www.uah.es/es/estudios/profesor/M.-Carmen-Valero-Garcea.